

تأثیر روانشناسی محیط بر طراحی مراکز دندانپزشکی

پریسا نظری* قادر بایزیدی**

*دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

**دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

Email: Parissanazari@yahoo.com

Email: q_Bayzidi@iausdj.ac.ir

چکیده

یکی از چالش های فرا روی افراد و جامعه دندانپزشکان به ویژه دندانپزشکانی که با کودکان سروکار دارند، ترس کودکان از درمانهای دندانپزشکی است عدم توجه به روحیات کاربران خصوصاً کودکان، همواره هنگام مراجعه برای انجام اعمال درمانی در این محیط ها که دچار نوعی ترس و اضطراب می شوند، باعث کاهش تأثیر درمان بر روی آنها می شود. با توجه به اینکه مدت زمان حضور بیماران بیشتر از سایر مطب های پزشکی و کمتر از بیمارستان می باشد، توجه به این موضوع در طراحی این مراکز از بعد روانشناسی محیط میتواند سهم بسزایی بر سلامت روان انسان داشته باشد لذا هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل تأثیر گذار در طراحی مراکز دندان پزشکی به عنوان یکی از مراکز بهداشت و درمان دهان و دندان که سهم عمده و ویژه ای در فضاهای درمانی دارند میباشد. نوع تحقیق و روش گردآوری مطالب به صورت کیفی و کتابخانه ای بوده است که نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که مولفه های تأثیر گذار در طراحی داخلی و خارجی این مراکز بر اساس روانشناسی محیط میتواند به کاهش درد، استرس و اضطراب ناشی از حضور در این مراکز و همچنین افزایش آرامش در جهت ارتقای روحیه بیماران تأثیر بسزایی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: روانشناسی محیط، محیط، دندانپزشکی کودکان

مقدمه

یکی از مشکلاتی که باعث عدم مراجعه به موقع افراد به دندانپزشکی می شود، ترس و اضطراب از دندانپزشکی است (Mellor, 1992). صرف نظر از عامل اضطراب و ترس این احساسات پیامدهایی را برای بیمار و دندانپزشک به دنبال دارد به این صورت که اضطراب از دندانپزشکی می تواند موجب عدم رسیدگی به بهداشت دهان همچنین بروز مشکلاتی مانند درد، آبرسه، از دست دادن دندان های شیری و دائمی و به هم ریختگی اکلوژن شود. اضطراب هر چند در درجات اندک می تواند باعث مراجعات نامنظم و عدم پیگیری درمان گردد. این اضطراب در سطح وسیع تر باعث مشکلات عدیده ای همچون اختلال در خواب، افکار منفی و کاهش اعتماد به نفس می شود. امروزه معماری مراکز درمانی از عملکردگرایی صرف به ایجاد محیطی شفافبخش در حال تغییرند. محیط شفافبخش در مراکز درمانی به معنی ایجاد فضایی است که تأثیرات مثبتی بر درمان بیماری داشته باشد. محیط های درمانی اصولاً اگر چه سلامت بخش هستند اما افراد به اختیار وارد آنجا نمیشوند و این اجبار کسالت های روانی یا جسمانی است که آنها را به آنجا میکشانند. پس ضروری است که از ابزارها و عناصر مناسبی جهت کاهش این جبر زمان استفاده شود. هر انسانی هنگام بیماری نیازمند آسایش روحی و روانی برای مبارزه است. (هاشمی، ۱۳۹۳)

انسان با توجه به نیازها، ارزش ها و هدفهای خود، محیط را دگرگون میکند و به طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار میگیرد. به ویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می شود تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد. دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگیهای بنیادی زمان ماست. این قرارگاههای فیزیکی، الگوهای رفتاری و نقشهای اجتماعی نوینی را بر ساکنان خود تحمیل میکنند. طی بیست سال اخیر رشته ی روان شناسی نیز مانند رشته های علمی متعدد دیگر، بر این پدیده، یعنی بر تأثیر انسان بر محیط و تأثیر متقابل محیط بر انسان، بی توجه نمانده و به یافته های علمی قابل توجه دست یافته است. (مرتضوی، ۱۳۶۷)